

فصل اول

مفاهیم

مفاهیم موضوع مورد پژوهش از اهمیت اساسی برخوردار است و بدون آشنایی لازم با اصطلاحات آن، مطلوب مورد نظر به دست نخواهد آمد. در این فصل مفاهیم مورد نیاز پژوهش که زیر بنای فصل‌های بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد به تفصیل بیان خواهد شد.

مبحث اول - حقوق بشر و حقوق شهروندی

می‌توان گفت نسبت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر، عموم و خصوص من وجه است. گرچه حقوق شهروندی و حقوق بشر در بسیاری از موارد به جای یکدیگر استفاده می‌شوند و بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن حقوق شهروندی است و بسیاری از حقوق شهروندی، ریشه در حقوق بشر دارد، اما تمیز بین آنها امکان پذیر است.

گفتار اول - تعریف حقوق بشر

حقوق بشر در یک برداشت موسع ناظر به مجموعه‌ای از قواعد، اصول، تمایلات و آرزوهای جوامع انسانی در حمایت و ارتقاء حقوق اساسی انسان است. منشأ اصلی حقوق بشر، حقوق فطری است که با توجه به جذابیت‌های ذاتی نهفته در اصولی چون برابر، عدم تبعیض، آزادی، حق حیات، حق بر محیط زیست، حق بر صلح پایدار، حق برداشتن محاکمه عادلانه و حق بر انتخاب محل سکونت و اقامت و... به تدریج قواعد الزام آور و ضمانت اجراهای لازم برای دفاع از حقوق بشر شکل گرفته و مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها را به وجود آورده است که در کنار نهادهایی چون دادگاه حقوق بشر اروپایی، کمیسیون حقوق بشر، دادگاه‌های کیفری رسیدگی بر

جنايات يوگسلاوى سابق و رواندا و تأسيس دادگاه كىفرى بين الملى، امكانات مثبتى براى حمايت از حقوق بشر به وجود آورده است. هرچند چالش‌هاى بسيار جدى پيش روى جامعه جهانى در ارتقاء حقوق بشر وجود دارد. چرا كه براى بخشى از حقوق بشر كه مربوط به حقوق مدنى، سياسى و فرهنگى است، ابزارهاى بين الملى لازم توليد شده است؛ ولى در مورد بخش ديگر از حقوق بشر كه موصوف به حقوق همبستگى است و مطلوب اكثريت كشورهاى در حال توسعه و فقير است، اقدامات حمايتى بسيار اندكى از آن در سالهاى اخير صورت گرفته است و اين همان چيزى است كه ماهيت جهانشمولى حقوق بشر را براى برخى از كشورها، خصوصاً كشورهاى جهان سوم و در حال توسعه تا حدودى بى معنا جلوه مى‌دهد و به همين خاطر، عدم انعطاف و سرسختى بيشترى نسبت به ماهيت حقوق بشر كه جوهر: ان از ليبراليسم غربى سرچشمه گرفته است، نشان مى‌دهند.^۱

اصطلاح «جهانشمولى» در لغت به معنای فراگیر، عالم‌گیر، جهانی و جهانشمول است؛ یعنی چیزی که متعلق به تمام افراد جهان است و تمام افراد و ملل جهان را شامل می‌شود. در ذیل به چند مفهوم جهانشمولی اشاره می‌شود:

- ۱- جهانشمولی به معنای جامعه‌شناختی آن، یعنی مقبولیت جهانی یا این که حقوق از اراده و تصميم عام بين الملى ناشى شده باشد و به عبارتى منبع حقوق، جهانى باشد.
 - ۲- جهانشمولى به معنای سازگارى و همخوانى با همه فرهنگ‌ها و جهان‌بينى‌ها.
 - ۳- جهانشمولى به معنای شمول و فراگريرى همه افراد انسانى در هر كجا.
- در واقع هسته مركزى ايده جهان‌گرایی بر این باور مبتنی است که حقوق بشر، حداقل حقوقی است که انسان از آن جهت که انسان است فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت و مذهب از آن برخوردار است. بنابراین حقوقی جهانی است. شالوده حقوقی ایده جهان‌گرایی، ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر است اعلام می‌دارد «تمام افراد بشر آزادانه به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند.»

بسیاری از حقوق دانان و نویسندگان معتقدند، همان‌طور که در برخی از اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر آمده است، حقوق بشر جهانشمول و «غیرقابل تجزیه» است اما دلایلی که طرفداران این گروه برای جهانشمولی حقوق بشر ارائه می‌کنند یکسان نیست. آنها حقوق بشر را همان چیزی می‌دانند که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد پذیرفته‌شده جهانی آمده است. از نظر

^۱ - مولایی، یوسف، حاکمیت و حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴، صص ۳۹-۴۰.

این گروه، حقوق بشر از آن جهت جهانی است که به جهت ذاتی و فطری بودن مورد توجه و اقبال دولت‌ها و کشورهای مختلف قرار گرفته است. این گروه با مطالعه تاریخی و توصیف رفتار دولت‌ها و ارزیابی میزان اقبال دولت‌ها به پیوستن به اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن را جهانشمول می‌دانند.^۱ از نظر این گروه، حقوق بشر از آن جهت جهانشمول است که اکثری قریب به اتفاق کشورها اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرده‌اند؛ امضاکنندگان اولیه اعلامیه حقوق بشر نمایندگانی از مناطق مختلف جهان بوده‌اند، مفاد اعلامیه حقوق بشر در قانون اساسی بسیاری از کشورها منعکس شده و در کشورهای دیگری نیز در قوانین عادی پیش‌بینی شده است. بنابراین، تاثیرگذاری اعلامیه در نظام‌های حقوقی داخلی و رضایت عمومی کشورها در تصویب آن دلیل بر جهانشمولی حقوق بشر می‌باشد.

به عقیده ایمانوئل کانت^۲، حقوق مجموعه شرایطی است که در نتیجه آن اختیار هرکس با اختیار دیگران جمع می‌شود.^۳ حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنجها و مشقات ساخته دست انسان‌ها و موانع قابل اجتنابی است که از طریق اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار و اذیت کلیه اشکال سوء رفتار توسط گروه‌های سازمان یافته و قدرتمندی از انسان‌ها بوجود آمده است.^۴ بدنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفهوم آن توسعه یافته و حقوق بین‌الملل بر مبنای فردگرایی توسعه و تدوین می‌یابد. بنابراین مسئله حقوق بشر مهم‌ترین تحول حقوق بین‌الملل در قرن بیستم می‌باشد. حقوق بشر رابطه انسان (و امروز حتی گروه‌ها) را با دولت و نهادهای وابسته به دولت را ملاک قرار داده و آن را تنظیم می‌نماید، از افراد و یا گروه‌ها در مقابل دولت حمایت کرده و رعایت حقوق آنها را از سوی دولت و یا نهادهای وابسته به دولت می‌خواهد. بر اساس قواعد و مقررات حقوق بشر، انسان‌ها اصولاً حق دارند نه تکلیف. تکلیف بر عهده دولتی است که ملزم به رعایت حقوق بشر است. این حقوق، همه افراد انسانی را صرف نظر از رنگ، نژاد، جنس، مذهب و... در همه زمان‌ها و مکان‌ها و تحت هر شرایطی زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهد. با در نظر گرفتن اسناد بین‌المللی بشری و متون معتبر حقوق بشری، می‌توانیم این

^۱ - ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، صص ۳۵ تا ۶۶.

^۲ - Immanuel Kant

^۳ - قربانی، قدرت‌الله، «راززدایی کانت از فلسفه در جهان، اندیشه»، نشریه: فلسفه، کلام و عرفان، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱۳۸۴، ص ۱۴

^۴ - آقائی، بهمن، فرهنگ حقوق بشر، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۳

حقوق را بدین صورت تعریف کنیم: «حقوق بشر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی بین‌المللی است که در همهٔ زمانها و مکانها از مقام، منزلت، کرامت انسانی تمام افراد و یا گروه‌ها صرفاً بدلیل اینکه انسانند، در مقابل همهٔ دولت‌ها حمایت می‌کند.»

گفتار دوم - خاستگاه حقوق بشر

نگاهی گذرا به تاریخ حیات انسان‌ها این موضوع را نشان می‌دهد که اگر چه تدوین اعلامیه حقوق بشر، پدیده‌ای نوین است، اما حقوق مذکور در آن قدمتی بس طولانی دارد. چنان که قدیمی‌ترین، جامع‌ترین و جهانی‌ترین قوانین در کشور بابل به دست حمورابی که از قبل از میلاد در این کشور سلطنت می‌کرد، تدوین و تنظیم شده است. او پس از فتوحات و جنگ‌های فراوان برای از بین بردن تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها دستور داد، منشوری جهانی تنظیم و به مورد اجرا در آید. این منشور که روی سنگ‌هایی حک شده و در معابر عمومی قرار داده شده بود، دارای ۲۸۲ ماده و در اکثر امور فردی، اجتماعی، سیاسی، مدنی و... قوانین نسبتاً کاملی داشته است. بعد از حمورابی، کوروش کبیر مؤسس سلسله هخامنشی پادشاهی به شمار می‌رود که پس از فتح بابل منشوری صادر کرد و برخی از حقوق و آزادی‌ها، مانند آزادی عقیده و ایمان را به مردم آن سامان اعطا کرد. حقوق رم با قدمت تاریخی خود، در حقیقت مبنای حقوق اکثر کشورهای قاره اروپا می‌باشد. الواح دوازده گانه مجموعه‌ای از قواعد اساسی برای یک جامعه ساده کشاورزی، در زمینه‌های حقوق عمومی، خصوصی، یکفری، مذهبی و نیز آیین دادرسی بر مبنای عرف و عادت است.^۱ الواح دوازده گانه از جمله آثار تاریخی به جای مانده از حقوق رم به دنبال بی‌عدالتی‌های حکومت طبقه اعیان و اعتراض گسترده طبقه عامه برای تحصیل پیش از میلاد یک هیات ده نفری برای تنظیم و تدوین - حقوق برابر، در سال ۴۵۱-۴۵۰ الواح دوازده گانه انتخاب شدند. البته، مضامین موجود در اعلامیه حقوق بشر را با اختلافاتی کم یا بیش می‌توان در اعلامیه حقوق انگلستان (۱۶۸۸) و سپس در قانون مصوب ۱۶۴۱ دادگاه ایالت ماسوچوست و پس از آن در قانون اساسی ویرجینیا که به دنبال اعلامیه استقلال آمریکا (۴ ژوئیه ۱۷۷۶) به تصویب رسید، مشاهده کرد. اما شاید کامل‌ترین و نزدیک‌ترین متن حقوقی، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹) باشد که پس از

۱- هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، ص ۱۱۸